

A Study of the Extension of Traditionalism in Politics and Its Approach to the Islamic Revolution¹

Mojtaba Akhoondi¹, Dawood Rahimi Sejasi²

1. Ph.D., Student, Department of Contemporary Muslim Thought, Al-Mustafa Al-Alamiya Society, Qom, Iran
(Corresponding author). aliali7906@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Sociology, Shahid University, Tehran, Iran. d.rahimi@shahed.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to review the extension of traditionalism in politics and its approach to the Islamic evolution. The research method is descriptive-analytic and it aims to answer this research question: Are the traditionalists present in politics? If so, what are their principles and orientations? The results showed that traditionalists, contrary to their theoretical principles which propagate a sort of seclusion, not only have entered politics but also regard monarchy as the only acceptable model in governance. Their major political principles concentrate on power and worshipping that, opposition to globalization, democracy, and immigration as well as focus on nationalism and the power pyramid from above. These principles have caused that their major orientation focuses on backing rightist and extremist parties as well as fascism and neofascism. Some traditionalists like de Maistre from France, Steve Bannon (Trump's former advisor) from the U.S, Carvalho from Brazil, and Evola from Italy are among traditionalists who had active presence in politics and left significant effects in their country and the political realm. In their approach to the Islamic revolution, Traditionalist especially Nasr just emphasize on royal Islam and reject any sort of revolution particularly the Islamic revolution due to its opposition to the principles of monarchy.

Keywords: Traditionalism, Politics, Monarchy, Islamic Revolution of Iran.

1. Received: 2021/10/27 ; Revised: 2021/12/01 ; Accepted: 2022/01/10 ; Published online: 2022/09/23

DOI: 10.22034/sm.2021.540294.1766

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



بررسی امتداد سنت‌گرایی در سیاست و نحوه مواجهه آن با انقلاب اسلامی^۱

مجتبی آخوندی^۱، داوود رحیمی سجاسی^۲

۱. دانشجوی دکتری، رشته اندیشه معاصر مسلمین، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

aliali7906@gmail.com

۲. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. d.rahimi@shahed.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی امتداد سنت‌گرایی در سیاست و نحوه مواجهه آن با انقلاب اسلامی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و درصدد پاسخ به این سوال است که آیا سنت‌گرایان در سیاست حضور دارند؟ اگر حضور دارند، مبانی و جهت‌گیری آن‌ها به چه نحو است؟ نتایج نشان داد که سنت‌گرایان برخلاف مبانی نظری خود که نوعی انزواطلبی را ترویج می‌کنند، نه تنها در سیاست ورود پیدا کرده‌اند، بلکه تنها مدل قابل قبول در حکومت‌داری را نیز مدل سلطنت می‌دانند. عمده مبانی سیاسی آن‌ها متمرکز بر قدرت، قدرت‌پرستی، مخالفت با جهانی شدن، مخالفت با دموکراسی و مردم‌سالاری، مخالفت با مهاجرت، تمرکز بر ملی‌گرایی و ناسیونالیستی و اعتقاد به هرم قدرت از بالا است. این مبانی منجر باعث شده است که عمده جهت‌گیری آن‌ها حمایت از احزاب راست‌گرا و افراطی و حمایت از فاشیسم و نفوفاشیسم باشد. افرادی مانند دومایستر در فرانسه، استیو بانون (مشاور اسبق ترامپ) در آمریکا، کاروالیو در برزیل، ایولا در ایتالیا، از جمله سنت‌گرایانی هستند که ضمن حضور فعال در سیاست، تأثیرات مهمی را نیز در کشور خود و در سپهر سیاسی برجای گذاشته‌اند. در مواجهه سنت‌گرایان و بخصوص نصر با انقلاب اسلامی، ضمن تأکید بر اسلام سلطنتی، هرگونه انقلاب و بخصوص انقلاب اسلامی را بدلیل مخالفت مبانی انقلاب با مبانی سلطنت، مردود می‌شمارند.

واژه‌های کلیدی: سنت‌گرایی، سیاست، سلطنت‌طلبی، انقلاب اسلامی ایران.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

DOI: 10.22034/sm.2021.540294.1766

© the authors

http://sm.psas.ir/

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

سنت‌گرایی که توسط رنه گنون^۱ (۱۸۸۶-۱۹۵۱) تأسیس شده، مکتبی است که تا حدی انزواطلبی را پیشه خود معرفی کرده است و دوری از سیاست و مشغول بودن به جنبه‌های مختلف ادیان و یکی کردن آن‌ها در ذیل عنوان «وحدت متعالی ادیان»^۲ را، جز وظایف و دغدغه‌های خود می‌داند. اما با بررسی سیره عملی و منش سنت‌گرایان، حداقل در حوزه سیاست، یافته‌هایی برخلاف مبانی نظری آن‌ها یافت می‌شود، به نحوی که این سؤال را به ذهن متبادر می‌نماید که آیا واقعا تهافتی بین عمل و نظر سنت‌گرایان در سیاست وجود دارد؟ سؤال دیگر آن است که مواجهه این اندیشه - به خصوص مبانی سید حسین نصر به عنوان رهبر فعلی سنت‌گرایان جهان - با انقلاب اسلامی ایران به چه نحوی است؟

در ارتباط با پژوهش حاضر پیشینه‌ای در ایران یافت نشد و در خارج ایران نیز فقط یک کتاب از محقق آمریکایی به نام تیتلباوم^۳، چاپ شده است که ایشان این موضوع را در گفتگو با معدودی از سنت‌گرایان مورد بررسی قرار داده، اما به بررسی موردی کشورها پرداخته است. روش تحقیق در این مقاله، علاوه بر رجوع به کتب سنت‌گرایان (کتابخانه‌ای)، بررسی میدانی در تعدادی از کشورهای اروپایی، آمریکا و روسیه است که با مصاحبه با برخی صاحب‌نظران ساکن در آنجا انجام شده است.

۲. چارچوب نظری

۱-۲. تعریف سنت

مکتب سنت‌گرایی، رویکردی است که نسبت به مدرنیته و فلسفه جدید در غرب، موضعی به شدت انتقادی دارد و خواهان احیای دانش و خرد در معنای قدسی است. «سنت در معنای فنی‌اش به معنای حقایق یا اصولی است که از طریق شخصیت‌های مختلفی، معروف به رسولان، پیامبران، اوتاره‌ها، لوگوس، برای ابنای بشر و در واقع، برای یک بخش کامل کیهانی آشکار شده و نقاب از چهره‌های آنها برگرفته شده است» (نصر، ۱۳۸۳: ص ۱۵۵). از نظر سنت‌گرایان، حقیقت، واحد است که در سنت‌ها، آیین‌ها و حتی ادیان مختلف تجلی پیدا کرده است. برخی از این آیین‌ها و رابطه ظاهر و باطن به شکل زیر است (الدمود،

-
1. René Guénon
 2. Transcendental unity of religions
 3. Benjamin R. Teitelbaum

۱۳۹۸: ص ۱۸۴):



شکل ۱- قلمرو و ماهیت سنت گرایی

۲-۲. مبانی سنت گرایی

الف) اعتقاد به مابعدالطبیعه: حقایق سنت گرایی دارای خاستگاه قدسی و منشأ وحیانی است که منجر به اعتقاد به مابعدالطبیعه می‌شود، البته با تفاوت‌های ظریفی که در سنت‌های گوناگون وجود دارد (نصر، ۱۳۸۰: ص ۱۳۵).

ب) وحدت متعالی ادیان: در اندیشه سنت گرایی همه ادیان دارای یک وحدت ذاتی و هسته‌ای اند که اگر چه در پوسته یا همان مناسک با یکدیگر متفاوت یا حتی متضادند، اما در مجموع یکی هستند و وحدتی به نام وحدت متعالی ادیان دارند.

ج) حصرگرایی: چون سنت گرایی فرقه‌ای بر پایه مصلحت و مفسده است، لذا، در صورت تعارض، طرف دیگر را حذف می‌کند، که این فرایند همواره حصرگرایی را به دنبال دارد (ژیلسون، ۱۳۹۱: ص ۴۳).

د) حفظ وضع موجود: به دلیل اینکه در صور دینی فعالیت دینی برای یافتن اصل و معیارها به گذشته نگریسته می‌شود، لذا، نیاز اساسی سنت گرایی، حفظ خودش است (گینگ، ۱۳۸۵: ج ۱).

بر اساس تعریف و مبانی فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که سنت‌گرایی در ظاهر و بر اساس مبانی خود، فرقه‌ای گوشه‌گیر است که رجوع به معنویت را سرلوحه خود قرار داده و به تبع، دوری از هیاهو و به خصوص سیاست، یکی از الزامات آن است. اما آیا فی الواقع اینگونه است؟ آیا سنت‌گرایی در عمل نیز بر طبق مبانی نظری خود عمل نموده و هیچ ورودی به سیاست نداشته است؟ اینها سؤالاتی هستند که این پژوهش در پی یافتن پاسخ آن است.

۲-۳. تعریف حکومت و مدل‌های آن

«حکومت ابزاری است که به وسیله آن، سیاست‌های دولت مورد اعمال واقع می‌شوند» (Oxford English Dictionary, 2010).

این اعمال قدرت و حاکمیت می‌تواند به شکل‌ها و مدل‌های مختلف باشد، از نظر مُنتسکیو^۱ (۱۶۸۹-۱۷۵۵م) حکومت‌ها سه دسته‌اند: حکومت جمهوری، حکومت پادشاهی و سلطنتی قانونی، حکومت پادشاهی غیرقانونی (مدرسی، ۱۳۷۹: ص ۳۸۰).

اگرچه در مدل سلطنتی، تمام حاکمیت قائم به شخص است، اما این مدل، خود نیز دارای اقسامی است: پادشاهی موروثی، پادشاهی استبدادی، پادشاهی انتخابی، پادشاهی مشروطه، مانند انگلیس و ژاپن (شبان‌نیا، ۱۳۹۶: ص ۴۵).

۲-۴. اسلام و سلطنت

اسلام حکومت هیچ انسانی بر انسان دیگر را نمی‌پذیرد و حق حاکمیت را تنها برای خداوند متعال می‌داند: «حکومت برای کسی جز خدا نیست، فرمان داده است که فقط او را بپرستیم، این است آئین استوار؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» (یوسف: ۴۰). اما خداوند به مصالحی این حق را به برخی بندگان (انسان‌های کامل) تفویض کرده است: «داود ما تو را در روی زمین نماینده خود قرار دادیم تا در میان مردم به حق داوری کنی و از هوی و هوس بپرهیزی» (ص: ۲۶).

لذا، اگرچه این حق حاکمیت به برخی انسان‌ها داده شده، اما به صراحت با حق حاکمیتی که یک انسان به خودش می‌دهد، مخالفت شده است. در اسلام، سلطنت مشروعیت ندارد و حکومت طاغوت است، که باید به آن کافر بود: «در قبول دین، اکراهی نیست؛ (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده

1. Montesquieu

است. بنابراین، کسی که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست» (بقره: ۲۵۶).

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «ای مؤمنان! بدانید کسی که تجاوز و ستمی را مشاهده نمود که بدان عمل می‌شود یا کار زشتی که به آن فرامی‌خوانند و آن را در دل انکار کند، بی‌شک سالم و مبرا خواهد ماند. هرکس آن را با زبان انکار کند، پاداش خواهد یافت و او از اولی برتر است. هرکس با شمشیر به انکار برخیزد، تا سخن خدا بلند و سخن ستمگران پست شود، راه هدایت را یافته و بر راه راست ایستاده و نور یقین در دلش تابیده است» (نهج البلاغه: حکمت ۳۷۳).

امام حسین (ع) می‌فرماید: «هرکه فرمان‌روایی ستمگر ببیند که حرام‌های خدا را حلال می‌شمرد، پیمان خدا را می‌شکند، با سنت رسول خدا (ص) مخالفت می‌کند، میان بندگان خدا با گناه و تجاوز رفتار می‌نماید، و با کردار و گفتار خود بر او نشورد، بر خداست که او را در جایگاه (پست و عذاب‌آور) آن ستمگر درآورد» (طبری، ۱۳۶۵: ج ۵، ص ۴۰۳). بنابراین، در فلسفه سیاسی اسلام، طاغوت حتی با رضایت مردم نیز نمی‌تواند در رأس قدرت بماند (باقری و نواب، ۱۴۰۰).

۲-۵. سنت‌گرایی و سلطنت

اگرچه در فرقه سنت‌گرایی، صحبت چندانی از سیاست نیست، اما نصر به عنوان تئورسین این جریان، مبانی سنت‌گرایان را پیرامون مدل مطلوب حکومت، به رشته تحریر درآورده است. نصر، منتقد حکومت دموکراسی و ولایت فقیه است. او، سلطنت را مطلوب‌ترین مدل حکمرانی می‌داند که به زعم او، نظام سیاسی اسلام (چه شیعه و چه سنی) آن را می‌پذیرد: «در طول تاریخ اسلام، نخست، نهاد خلافت و سپس نهاد سلطنت، در اهل سنت پدیدار گشت. تشیع، خلافت را در مقام نهادی سیاسی نپذیرفت؛ ولی سلطنت یا پادشاهی را چون شکلی از حکومت است که در دوران غیبت حضرت مهدی، کم‌ترین نقض را دارد، پذیرفت. این دیدگاه حتی در آثار اولیه آیت‌الله خمینی نیز تا پیش از آنکه با نهاد پادشاهی به مخالفت برخیزد، به چشم می‌خورد» (رجبی، ۱۳۹۱). «به هر حال، در تمام اشکال گوناگون حکومت (در اسلام)، حاکم با پاسداری از شریعت و کسب حمایت علما یا دست کم وانمود به آن، در پی کسب مشروعیت بود؛ تا جایی که حتی مشروعیت پادشاه نیز پیش از آنکه همچون اروپا بر خون و تبار مبتنی باشد، ریشه در توانایی برقراری نظم و استقرار شریعت داشت» (نصر، ۱۳۸۳: ص ۱۴۵).

او حتی ادعا می‌کند که سلطنت، حکومتی است که مورد اجماع علمای شیعه است: نزد شیعه دوازده

امامی کلاسیک، هیچ حکومت کاملی در غیبت امام دوازدهم وجود ندارد. طبق نظر علما در گذشته در چنین شرایطی، یک حکومت پادشاهی یا سلطنتی که با موافقت و اجماع علما حکومت کند، امکان‌پذیر، یا به تعبیر دقیق‌تر، کم‌عیب‌ترین شکل حکومت در شرایطی است که -طبق تعریف- نمی‌تواند کامل باشد (نصر، ۱۳۸۳: ص ۲۱۰). اعتقاد او به مدل سلطنت به حدی است که علت پذیرش مسئولیت دفتر فرح را کمک به برقراری «حکومت سلطنتی اسلامی» بیان می‌نماید: «این امر را پذیرفتم، چرا که پای آینده کشور در میان بود؛ نه اینکه در آن زمانه پرخطر این کار را از سر بلندپروازی و ورود به عرصه سیاست یا چیزی مانند آن کرده باشم؛ زیرا احساس می‌کردم که تنها کسی بودم که می‌توانست چون میانجی، به ایجاد موقعیتی کمک کنم که در آن، مثلاً آیت‌الله خمینی با شاه مصالحه کنند و نوعی «حکومت سلطنتی اسلامی» برپاگردد که در آن علما نیز درباره امور مملکتی اظهار نظر کنند، اما ساختار کشور دچار تحول نشود» (جهانبگلو، ۱۳۸۵: ص ۱۸۷). اگرچه این تمایل به ورود به سیاست در بین سنت‌گرایان بسیار مخفی است و ردیابی آن تا حدودی سخت می‌نماید؛ اما با بررسی اندیشه‌های نصر به عنوان رهبر فعلی سنت‌گرایان می‌توان گفت که او ضمن اعتقاد به مدل سلطنت، سعی می‌کند آن را ترویج هم بنماید، تا سنت‌گرایی بتواند ضمن رجوع به معنویت‌گرایی خاص خود، نظام سیاسی خویش را نیز پیاده کند.

۳. دیرینه‌شناسی سیاسی

اگرچه تأسیس سنت‌گرایی را به رنه گنون منتسب می‌کنند، اما در واقع سنت‌گرایی در قبل از او نیز وجود داشته است، از جمله می‌توان به سنت‌گرایانی نامداری مانند ژوزف دو مایستر^۱ (۱۷۵۳-۱۸۲۱م)، دونوسو کورتس^۲ (۱۸۰۹-۱۸۵۳م) و لوئیس دو بونالد^۳ (۱۷۵۴-۱۸۴۰م) اشاره کرد. ویژگی این سه، ورود به سیاست و حمایت از سلطنت و مخالفت با انقلاب فرانسه بود، که بر ضد سلطنت انجام شده بود.

دومایستر، جمله معروفی در مخالفت با انقلاب و حمایت از سلطنت پادشاه دارد که عمق اعتقاد او را به این مدل حکومت بیان می‌دارد: «این فاجعه یعنی انقلاب فرانسه، فاجعه‌ای ملی است. چون ملی است، پس نقش ملت در آن بسیار مهم است. خونی که از پادشاه (لویی شانزدهم) بر روی زمین ریخت، صدها

1. Joseph de Maistre

2. Donoso Cortes

3. Louis de Bonald

طوفان از آن بلند خواهد شد و ملت فرانسه باید بدانند که تاوان آن را خواهند داد و از این طوفان‌هائی که از هر قطره خون او ایجاد خواهد شد، جان سالم به در نخواهند برد» (Lagarde & Michard, 1962). همچنین لوئیس دو بونالد سنت‌گرا نیز توانست، اندیشه‌های محافظه‌کار و کاتولیک فرانسوی در قرن ۱۹ میلادی را تقویت کرده و تأثیر بسزایی بر آن‌ها بگذارد (Blum, 2006).

۴. مصادیق تجربی

با وجود تحول در مدل‌های مختلف حکومت‌داری، اما باز هم سنت‌گرایان، به همان مدل سلطنت پایبند هستند و اگر در کشوری مدل سلطنت وجود نداشته باشد، سعی می‌کنند از حزبی که شاخصه‌های حکومت سلطنتی در آن نمود بیشتری داشته باشد، حمایت کنند. در ادامه، با بررسی نظام سیاسی برخی کشورها، نحوه حمایت سنت‌گرایان از سلطنت در آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱. ایتالیا

ایتالیا از قرن‌ها پیش، اساساً مرکز پادشاهی و امپراطوری بود (Dal Lago, 2013). به دلیل اثرات جنگ جهانی اول، کم‌کم ملی‌گراها، سر برآوردند. حزب ملی فاشیست^۱ اولین حزبی بود که داعیه‌دار این اندیشه شد و توسط بنیتو موسولینی^۲ (۱۸۸۳-۱۹۴۵) در ۱۹۲۱م، پایه‌گذاری شد.

اما این حزب دوام نیاورد و با کودتا علیه موسولینی، منحل شد. ولی این انحلال رسمی به معنای پایان این اندیشه نبود، فاشیست‌ها با بازیابی مجدد خود و با عنوان نتوفاشیست^۳ مجدداً پا به سپهر سیاست نهادند و چون مبانی‌شان، اموری مانند رجوع به گذشته، حفظ ارزش‌های سنتی، ملی‌گرایی و حفظ مرزهای ایتالیا بدون درهم آمیختگی با اروپای واحد را دنبال می‌کرد، مورد استقبال سنت‌گرایان قرار گرفته و سنت‌گرایان به حمایت از آن‌ها روی آوردند.

۴-۲. فرانسه

احزاب فرانسه به‌طور سنتی به سه طیف راست، چپ و میانه تقسیم می‌شوند. این تقسیم‌بندی مشابه

1. Partito Nazionale Fascista

2. Benito Amilcare Andrea Mussolini

3. Néofascisme

سایر کشورهای غربی است. حزب جبهه ملی،^۱ یا همان راست افراطی در سال ۱۹۷۲ توسط ژان ماری لوپن^۲ به منظور متحد سازی جنبش‌های ملی‌گرای فرانسه تأسیس شد. از خط‌مشی‌های این حزب می‌توان به این موارد اشاره کرد: بازگشت به ارزش‌های سنتی؛ دادن حقوق به مادرانی که سرکار نمی‌روند؛ استقلال بیشتر از اتحادیه اروپا و دیگر سازمان‌های بین‌المللی؛ پایان مهاجرت‌های غیراروپایی؛ استقرار نظام تعیین تابعیت فرزند از والدین. چون خط‌مشی‌های این حزب از جمله مخالفت با مهاجرت، ملی‌گرایی و تمرکز بر قدرت، تأکید بر هرم قدرت از بالا (شبهه مدل سلطنت) و...، نزدیک و همخوان است، لذا، سنت‌گرایان فرانسوی طرفدار این حزب شده و در حمایت و تأیید آن می‌کوشند.

۴-۳. اسپانیا

اسپانیا اساساً یک حکومت پادشاهی است، که پادشاهی مشروطه که در آن، سلطنت موروثی است (Shelley, 2015). اگرچه در اسپانیا سنت‌گرایان به دلیل پادشاهی بودن، اختیار عمل بیشتری دارند و لازم نیست به دنبال حزبی مناسب برای ایده سلطنت‌طلبی خود باشند، اما نکته جالب، دفاع سخت آن‌ها از این نظام سلطنتی بعد از رسوایی پادشاه اسپانیا در گرفتن رشوه برای راه‌آهن مکه-مدینه است. این نکته‌ای بود که در مصاحبه با رینالد فابری^۳ - محقق معروف عرصه سنت‌گرایی، دکترای دین‌شناسی تطبیقی از دانشگاه میامی آمریکا- بر آن تأکید و صحّه گذاشته شد. او ضمن توضیح این جهت‌گیری در فرانسه و اسپانیا بیان می‌کند: «حتی امروز در فرانسه (و به طور کلی اروپا) سلطنت‌طلبان (که سنت‌گرایان حامی آن‌ها هستند) به جناح راست محافظه‌کار کاتولیک تعلق دارند. می‌بینید که این روزها در اسپانیا نیز راست‌های کاتولیک، علی‌رغم رسوایی‌های پیرامون پادشاه سابق، همچنان برای نجات آن تلاش می‌کنند».^۴

۴-۴. آمریکا

اگرچه در آمریکا نظام جمهوری حاکم است، اما حزب جمهوری‌خواه، بیشتر به مبانی سلطنت‌طلبی سنت‌گرایان نزدیک است. حزب جمهوری‌خواه با تأکید بر مبانی و بنیان‌هایی از جمله ناسیونالیست

1. Rassemblement national

2. Jean-Marie Le Pen

3. Renaud Fabbri

۴. مکاتبه از طریق ایمیل با: Renaud Fabbri، ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۰.

محوری، مخالفت با دموکراسی جهانی و سازمان‌های جهانی، مخالفت با مهاجرت و قدرت‌پرستی، تا حدود زیادی توانسته توجه سنت‌گرایان را به خود جلب نماید.

از جمله سنت‌گرایان آمریکایی که توانسته در حزب جمهوری‌خواه نیز به مقام‌های بالایی دست پیدا کند، استیو بانون^۱، مشاور سابق ترامپ است. بانون علاوه بر مشاور ترامپ بودن، استراتژیست ارشد نیز بود که همانند دیگر سنت‌گرایان، خود را ملی‌گرا و ناسیونالیست می‌نامید. برخی او را پدر معنوی ترامپ نیز می‌نامند. برای واکاوی بیشتر، سعی شد با استیو بانون ارتباط گرفته شود، اما بعد از چند روز از ایمیل زدن به او، بازداشت شد و ممکن نشد مستقیماً با او ارتباط گرفته شود، اما نظرات او در سیاست مانند مخالفت با دموکراسی و جهانی شدن، آمریکا باید آمریکا بماند، مخالفت با مهاجرت به آمریکا (چه قانونی و چه غیر قانونی) و ...، که همه توسط ترامپ اجرایی شد، تأثیرات فراوانی بر روی آمریکا گذاشت (Golshan, 2017). این تأثیرات آنچنان زیاد و محل مناقشه بود، که مقالات زیادی درباره او و کارهایش منتشر شد (New York Times, 2017 a & b).

۴-۵. روسیه

داستان روسیه قدری متفاوت است. نظام سیاسی روسیه اگرچه از نوع نیمه ریاستی است و احزاب چندان نقش مهمی ندارند، اما سنت‌گرایان توانسته‌اند با ارائه مبانی سنت‌گرایانه خود، نظر حاکمان روس را به خود جلب نمایند. یکی از این سنت‌گرایان معروف، الکساندر گلیوویچ دوگین^۲، مشاور سابق پوتین است. افکار دوگین تأثیر پذیرفته از ژولیوس ایوولا^۳ (۱۸۹۸-۱۹۷۴م)، سنت‌گرای معروف ایتالیایی است. او نیز مانند مابقی سنت‌گرایان معتقد به حکومت سلطنتی، قدرت‌پرستی، محافظه‌کاری، نفی دیگران و ملی‌گرایی است.

دوگین این افکار را این‌گونه بیان می‌کند: «ما محافظه‌کاران خواهان کشوری مستحکم و قدرتمند هستیم، خواهان نظم و خانواده سالم، ارزش‌های مثبت و تقویت اهمیت دین و کلیسا در جامعه هستیم». او می‌افزاید: «ما رادیوی میهن‌پرست، تلویزیون، متخصصان میهن‌پرست و باشگاه‌های میهنی می‌خواهیم. ما رسانه‌هایی می‌خواهیم که منافع ملی را بیان کنند» (Dugin, 2012). جالب‌تر اینکه، استیو بانون آمریکایی (مشاور سابق

1. Steve Bannon
2. Alexander Glievich
3. Julius Evola

ترامپ)، ضمن دعوت الکساندر دوگین به رم، در جلسه‌ای با او، راه‌های مدیریت جهان بر اساس افکار سنت‌گرایی را مورد بررسی قرار دادند (Teitelbaum, 2020). بانون و دوگین هر دو علاوه بر پیروی از رنه گنون، از ژولیوس ایولا، شاگرد گنون نیز تأثیر پذیرفته‌اند، به خصوص که برخی دوگین را شاگرد خلف ایولا می‌دانند.

۴-۶. برزیل

ورود سنت‌گرایان به سیاست در برزیل، شبیه ورود آن‌ها در روسیه است، به این شکل که سنت‌گرایان با بیان اندیشه‌های خود، سیاست‌مداران را جذب خود کرده و با گرفتن مناصب مختلف از جمله مشاور رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، توانستند تغییرات مهمی در جامعه بر اساس این مبانی به وجود بیاورند.

اولاو دو کاروالیو،^۱ سنت‌گرای معروف برزیلی است که توانست با ارائه مبانی خود، بولسونارو،^۲ رئیس‌جمهور برزیل را جذب خود کند و ضمن تأثیرگذاری بر او، مبانی سنت‌گرایی در عرصه سیاست را در برزیل، گسترش دهد. او همچنین توانست، حزب راست افراطی برزیل را با اندیشه‌های خود، بازسازی فکری نماید؛ به نحوی که این حزب، مورد اقبال مردم قرار گرفت و رئیس‌جمهور از این حزب انتخاب شد. اولاو دو کاروالیو، معتقد است: «نفوذ من بر فرهنگ برزیل بی‌نهایت بیشتر از نفوذ دولت است. من دارم تاریخ فرهنگی برزیل را تغییر می‌دهم. دولت‌ها می‌روند؛ فرهنگ می‌ماند» (Duarte, 2019).

نکته جالب توجه، باز هم ارتباط سنت‌گرای امریکایی یعنی استیو بانون (مشاور سابق ترامپ) با اولاو دو کاروالیو برزیلی است، به این شکل که دو هفته پس از مراسم تحلیف بولسونارو - رئیس‌جمهور برزیل - بانون در خانه اولاوو در پیتزبورگ با او دیدار کرد و دو ماه بعد، اولاوو، مهمان افتخاری ضیافتی به میزبانی بانون در «ترامپ هتل» در واشنگتن بود، جایی که استراتژیست اصلی پیشین کاخ سفید او را به گروه برگزیده‌ای متشکل از حدود ۱۰۰ مهمان محافظه‌کار معرفی کرد.

یک روز بعد از استقبال بانون از اولاوو، نوبت به بولسونارو رسید. رئیس‌جمهور برزیل در سفر به واشنگتن (نخستین سفر بین‌المللی‌اش در مقام رئیس‌دولت) ضیافت شامی در محل اقامت سفیر برزیل برگزار کرد. اولاوو در سمت راست و بانون در سمت چپ بولسونارو نشستند. بولسونارو در نطقی گفت که مدت‌ها آرزو داشته است که «برزیل را از چنگ ایدئولوژی اهریمنی چپ نجات دهد». او سپس نگاهی به

1. Olavo de Carvalho

2. Bolsonaro

اولا و انداخت و گفت: «انقلابی که شاهدش هستیم، عمدتاً مدیون اوست» (رک: همان).

۵. ایوولا، مرشد سیاسی سنت‌گرایان امروزی

ژولیوس ایوولا یک شاعر، فیلسوف، نقاش، باطن‌گرا و سنت‌گرای رادیکال بود. وی، شاگرد رنه گنون بود که در ایتالیا گروهی را تشکیل داد که هدفش، ایجاد هویت فردی برای اعضایش بود. این گروه از تکنیک‌های بودایی و آموزه‌های هندو استفاده می‌کرد؛ یعنی همان اموری که در سنت‌گرایی، جزو اعتقادات مهم است (Nevill, 2004: p.96). او به دنبال ایجاد استراتژی برای اجرای «انقلاب محافظه‌کارانه» در اروپا پس از جنگ جهانی دوم بود، تا بتواند به وسیله آن، ضمن از بین بردن تمام اندیشه‌ها و مدل‌های مختلف حکومت از جمله جمهوری و...، به تشکیل یک سلطنت در اروپا کمک کند (Furlong, 2011). وی در کتاب «مردان در میان ویرانه‌ها: بازتاب‌های پس از جنگ یک سنت‌گرای رادیکال»، اولین مرحله از توسعه چرخه‌ای نخبگان را، سلطنت اعلام کرد (Contemplations on the Concept of Spiritual Aristocracy, 2019).

به طور خلاصه می‌توان، برخی مبانی اندیشه او را این‌گونه برشمرد: محافظه‌کاری؛ طرفدار ملی‌گرایی؛ طرفدار مدل سلطنت؛ طرفدار اندیشه فاشیست. منظور از محافظه‌کاری تلاش برای حفظ وضع موجود است، و اگرچه محافظه‌کاری در همه جا و در همه حال به معنای سنت‌گرایی نیست، بلکه می‌توان گفت یکی از اجزای محافظه‌کاری، سنت است؛ اما سنت‌گرایی بدون آن بی‌معنا و تهی خواهد بود. در نهایت، این اندیشه‌ها پایه‌ای برای مبانی سیاسی سنت‌گرایان شد.

۶. گفتگو با بنیامین آر. تیتلباوم^۱ و مارک سِجَوِیک^۲ محققان عرصه سنت‌گرایی در آمریکا

۶-۱. بنیامین آر. تیتلباوم

بنیامین آر. تیتلباوم، استاد قوم‌شناسی و امور بین‌الملل در دانشگاه کلرادو^۳ است. وی به دلیل تخصص در سنت‌گرایی، چهره‌ای شناخته شده در این عرصه، در آمریکا و اروپا است. در گفتگوهای متعددی که با او انجام شد، ضمن بررسی سنت‌گرایی از جنبه‌های مختلف، بحث ورود آن‌ها به سیاست مورد تدقیق قرار گرفت. در نهایت مشخص شد، این ورود آنچنان جالب و جذاب است که او با بررسی این امر در کتابی که

1. Benjamin R. Teitelbaum
2. Mark Sedgwick
3. University of Colorado Boulder

شامل مصاحبه‌هایی با بانون، دوگین و بررسی مبانی گلیویچ و گتون است، به صورت صریح و بی‌پرده، از زبان خودشان، مبانی سیاست‌ورزی آن‌ها را بر پایه سنت‌گرایی فاش کرده است.

ایشان در این کتاب با عنوان: «جنگ برای ابدیت: بازگشت سنت‌گرایی و ظهور راست پوپولیست»^۱ سعی کرده است نشان دهد که چگونه سنت‌گرایی برای سیاست، هم مشتاق به حضور در آن است و هم برای آن فکر و اندیشه دارد. اما نکته مهم این کتاب، همخوانی مطالب آن با مسئله این مقاله و یافته‌های آن است. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که سنت‌گرایی نه تنها به سیاست نظر دارد، بلکه در آن حضور فعالی نیز دارد! تیتلباوم نویسنده کتاب فوق، سنت‌گرایی را چنین تعریف می‌کند: «یک مکتب عجیب و غریب فلسفی و زیرکانه‌ای که شاید اصلاً یک الگوی التقاطی باشد». این مکتب به حقایق فلسفی‌ای وابسته است که از بسیاری از آیین‌ها، از آیین هندو و زرتشت گرفته تا ادیان بت‌پرستی قبل از مسیحیت اروپا، وام گرفته شده است!

۶-۲. مارک سجویک

مارک سجویک^۲ را می‌توان از شناخته شده ترین افراد در حوزه سنت‌گرایی نامید. کتاب او با عنوان «علیه جهان مدرن: سنت‌گرایی و تاریخ فکری مخفی قرن بیستم»^۳، از انتشارات دانشگاه آکسفورد، منبع معروفی برای شناخت سنت‌گرایی و ابعاد آن است. او نیز در گفتگوهای ایمیلی مختلفی که با ایشان شد، یافته‌های این مقاله را تأیید کرد و ضمن رد سخن برخی سنت‌گرایان ایران که اصل ورود سنت‌گرایی به سیاست را نفی می‌کردند، به صراحت بر این باور تأکید می‌کند که: «بله، من قبول دارم که سنت‌گرایی وارد سیاست شده است»^۴.

۷. سنت‌گرایی و انقلاب اسلامی

گفته شد که نصر و سنت‌گرایان، قائل به مدل سلطنت و اسلام سلطنتی هستند و اگرچه معتقدند که مدل سلطنت می‌تواند اسلامی هم باشد، اما در واقع انقلاب اسلامی هیچ‌سختی نه در مبانی و نه در

1. War for Eternity: The Return of Traditionalism and the Rise of the Populist Right

2. Mark Sedgwick

3. Against the modern world: traditionalism and the intellectual history of the 20th century

۴. مکاتبه از طریق ایمیل با: سجویک، ۷ اکتبر ۲۰۲۰.

عمل با هیچ‌یک از اقسام سلطنت نمی‌تواند داشته باشد. در اندیشه امام خمینی، مخالفت با سلطنت و نفی آن، یکی از اصول اساسی است: «من مخالف اصل سلطنت و رژیم شاهنشاهی ایران هستم، به دلیل این که اساساً سلطنت، نوع حکومتی است که متکی به آرای ملت نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۵، ص ۱۷۴-۱۷۳).

امام خمینی، مدل سلطنت را مدلی دائمی می‌داند که امکان تغییر آن نیست، لذا، نه نظارت‌پذیر است و نه پاسخگو: «رژیم سلطنتی چیست؟ ... سلطنت این طوری است که یک کسی که سلطان شد، بیخ ریش مردم هست. یک هم چو آدمی، هرچه خلاف بخواهد بکند دستش باز است، ... عزلی توی کار نیست. او هست تا آخر» (همان: ج ۴، ص ۴۹۴-۴۹۲). سلطنت از منظر امام خمینی، خلاف حقوق بشر است؛ زیرا ما حق نداریم برای نسل‌های بعد از خود تصمیم بگیریم، همانطور که نسل‌های قبلی نیز حق نداشتند برای ما تصمیم بگیرند: «در حقوق بشر این است که هر ملتی باید خودش سرنوشت خودش را تعیین کند؛ چه حقی دارند پدرهای ما که سرنوشت ما را تعیین بکنند؟ ... رژیم سلطنتی فاسد است همه‌اش، حالا فرضاً که خیلی عادل هم باشد، خلاف حقوق بشر است» (همان: ج ۶، ص ۳۳-۳۱).

امام خمینی پیش‌فرض سلطنت سنت‌گرایان که آن را ذاتاً دارای مشروعیت و به نوعی موهبتی الهی می‌داند، رد می‌نماید و معتقد است که بطلان سلطنت در درون خود سلطنت است؛ به عبارتی دیگر، قیاسات‌ها معها: «اصل سلطنت بطلانش همراه خودش است ... همین قانون اساسی می‌گوید که سلطنت یک موهبتی است الهی که مردم می‌دهند به شاه، ... ما از سر تا سر این مملکت سؤال می‌کنیم که سلطنت ایشان را شما داده‌اید به ایشان؟ هیچ‌کس جواب آره ندارد الآن که مردم همه دارند می‌گویند، نمی‌خواهیم» (همان: ج ۴، ص ۵۱۸-۵۱۱).

از منظر امام خمینی، سلطنت ظل‌الله نیست، بلکه ظل ابلیس است: «گمان نکنید هر که قدرت پیدا کرد، خدای - تبارک و عالی - با او است ... یعنی چه ظل‌الله؟ ... سلاطین جور ظل ابلیس اند. میزان در تشخیص سلطان جائز و سلطان عادل همین است» (همان: ج ۶، ص ۳۳۸-۳۳۷).

اما برخی از سنت‌گرایان از جمله نصر معتقد هستند که سلطنت را می‌توان حتی مشروطه کرد. نصر به صراحت بیان می‌نماید که هدف او این است که ضمن مشروطه کردن سلطنت، کمک نماید که این مدل همچنان در ایران پابرجا بماند. امام خمینی ضمن رد این مدل از سلطنت، نه تنها مشروطه بودن آن و به نوعی قبول برخی اصلاحات را در آن نمی‌پذیرند، بلکه بیان می‌کنند کسانی که این مدل را ارائه می‌دهند، سوء قصد دارند و می‌خواهند این رژیم را حفظ کنند: «بعضی تصریح به این می‌کنند که «ایشان (شاه) هم

باشد، لکن همان طوری که قانون اساسی تکلیف سلطان را معین کرده است که سلطان باشد و حکومت نکند حالا به این مطلب قانع بشویم و بعد کم‌کم یک قدم، یک قدم جلو برویم. این جزو اشتباهاتی است که آقایان دارند، آن‌هایی که سوء قصد دارند؛ یعنی می‌خواهند این رژیم را حفظش کنند» (همان: ج ۴، ص ۱۲۸-۱۲۷).

همچنین نصر به عنوان رهبر سنت‌گرایان معتقد است که سلطنت اسلامی در تاریخ ریشه دارد و نه تنها مورد قبول علماست، بلکه مقبول مذهب شیعه نیز است. امام در رد این تفکر می‌فرماید که وقتی خلافت تبدیل به سلطنت شد، امیرالمومنین (ع) به مخالفت با آن برخاستند، یعنی نه تنها مورد قبول شیعه نیست، بلکه مورد رد و مخالفت آن هم هست: «حضرت علی (ع) تا موقعی که خلافت اسلامی به ظاهر مطابق دستور دین عمل می‌نمود، با خلفا همکاری می‌کرد، اما زمانی که خلافت به سلطنت مبدل شد، حضرت با معاویه به جنگ برخاست و خلع تدریجی آن را نپذیرفت» (همان: ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۳).

امام خمینی ریشه سلطنت را به صدر اسلام برمی‌گرداند و معتقد است که این سلطنت غاصبانه امروزی، همان سلطنت غاصبانه معاویه است که از صدر اسلام شروع شده است: «این حکومت ... یک سلطنت غاصبانه دارد می‌کند. همان طوری که معاویه سلطنت غاصبانه می‌کرد، این هم سلطنت غاصبانه است» (همان: ج ۵، ص ۲۰-۱۹).

نصر، مشروعیت سلطنت و به تبع، مدل سلطنت امروزی را برگرفته از اسلام می‌دانست و معتقد بود که نه تنها، این مدل درست حکومتداری است، بلکه صاحب مشروعیتی ریشه‌دار نیز است که همه برگرفته از اسلام است. اما امام خمینی، دقیقاً در نقطه مقابل، ضمن قبول این اشتراک، آن را نه اشتراک در داشتن مشروعیت، بلکه اشتراک در ضد مشروعیت و مانع تحقق اسلام راستین می‌داند: «رژیم پهلوی با رژیم‌های سابق و دولت اموی و عباسی ... در یک معنا مشترک بودند و آن، اینکه نمی‌خواستند اسلام آن طور که هست، تحقق پیدا کند» (همان، ج ۱۰، ص ۱۱۸-۱۱۷). در مجموع باید گفت، اندیشه سنت‌گرایان و به خصوص نصر، در مشروعیت‌بخشی به مدل سلطنت، مورد نقد جدی است، به نحوی که شواهد و استدلال‌های مختلفی در رد و نقض آن موجود است.

۸. مواجهه سنت‌گرایان با انقلاب اسلامی

محافظه‌کاری مد نظر سنت‌گرایان، ایجاب می‌کند که با هرگونه تغییر مخالفت نمایند. به خصوص اینکه این تغییر در مبانی باشد. محافظه‌کاری سنت‌گرایی می‌کوشد، ضمن تثبیت بنیان‌های موجود، هرگونه

تغییر که منجر به دگرگونی بنیادین شود را رد نماید و با تأکید بر اصول خود، سلطنت را کافی و لازم معرفی کند. در تحلیل مواجهه سنت‌گرایان با انقلاب اسلامی باید گفت که این مواجهه نه از شکل تعامل، بلکه در قالب تقابل است؛ تقابلی که نه تنها در فرم، بلکه در محتوا نیز است. سنت‌گرایان می‌کوشند که با ترویج مدل سلطنت، نه تنها مدل‌های دیگر از جمله جمهوری را رد نمایند، بلکه ضمن مخالفت با هرگونه انقلاب، سعی در مشروعیت‌بخشی به مدل سلطنت و تبیین آن به عنوان مدل درست نمایند. از منظر سنت‌گرایان، انقلاب اسلامی نه به عنوان سیاست برتر، بلکه اندیشه‌ای مضر است که مخالف بنیان‌های اسلام سیاسی مدنظر سنت‌گرایان است.

وضع مطلوب در نظر سنت‌گرایان، رسیدن به مدل اسلام سلطنتی است؛ اما در مواجهه با انقلاب اسلامی که امکان تغییر بنیادین و صد در صدی آن نیست، نحوه مواجهه آن‌ها، تبدیل انقلاب به نوعی نظام مشروطه است که در عین بودن اسلام و مبانی آن، نوعی حکومت با تمرکز قدرت نیز پدید بیاید تا بتوان با سوق دادن آرام‌آرام این تمرکز به دست شخصی واحد، سلطنت و پادشاهی را ابتدا در فرم و سپس در محتوا پیاده نمایند.

در مجموع باید گفت، با توجه به اقبال مردم به احزاب محافظه‌کار و راست افراطی در جهان، که پشتمان معنوی و فکری آن‌ها سنت‌گرایی است، و تأکید سنت‌گرایان بر مدل سلطنت، که تقابلی جدی با انقلاب اسلامی دارد، این اندیشه و مدل برگرفته از آن، می‌تواند تهدید بالقوه‌ای برای انقلاب اسلامی باشد، که لازم است توجه ویژه‌ای به آن شود.

۹. نتیجه‌گیری

۱- نمی‌توان گفت که به دلیل ورود سنت‌گرایان به سیاست، بین مبانی نظری و سیره عملی آنها تهافت وجود دارد؛ به این دلیل که در کتب ترجمه شده از ایشان به زبان فارسی، به عنوان بیانگر مبانی نظری، هیچ سخنی از سیاست و ورود به آن به میان نیامده است، چراکه سنت‌گرایان، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و گفتگوهایی دارند که در آن‌ها به مبانی نظری‌شان پیرامون سیاست پرداخته‌اند که به زبان فارسی ترجمه نشده است. لذا، وقتی تمام منابع موجود مربوط به سنت‌گرایان بررسی می‌شود، می‌توان استنباط کرد که ورود به سیاست، عملی برخلاف مبانی نظری ایشان نیست.

۲- مؤلفه‌های سلطنت سنت‌گرایان شامل موارد زیر است: تمرکز بر قدرت؛ مخالفت با جهانی شدن؛ مخالفت با دموکراسی و مردم‌سالاری؛ مخالفت با مهاجرت؛ تمرکز بر ملی‌گرایی و ناسیونالیستی؛ اعتقاد به

هرم قدرت از بالا؛ حمایت از احزاب راست‌گرا، افراطی و فاشیسم.

۳- آنچه نصر، گنون و امثال آن مطرح می‌کنند، سنت‌گرایی صرف نیست؛ بلکه ترکیب گذشته با مدرنیته است که حاصل آن سنت‌گرایی مدرن است. آنان به مدرنیته نقد دارند، نه این که آن را به کلی رد کنند.

۴- محافظه‌کاری در همه‌جا و در همه‌حال به معنای سنت‌گرایی نیست؛ بلکه یکی از اجزای محافظه‌کاری، سنت است. محافظه‌کاری بیش از آنکه به سنت گره بخورد در تلاش برای حفظ وضع موجود است.

۵- سنت‌گرایان و به خصوص سید حسین نصر، به اسلام سلطنتی معتقد هستند؛ که این مدل از حکومت تقابل جدی با انقلاب اسلامی دارد و اگرچه این مبانی، به ویژه اندیشه‌های نصر، تماماً در تضاد با مبانی انقلاب است و ناهمخوانی جدی با اندیشه‌های امام خمینی دارد، اما این تقابل و ناهمخوانی نمی‌تواند دلیلی باشد که سنت‌گرایی به عنوان تهدیدی بالقوه برای انقلاب اسلامی به حساب نیاید، بلکه توجه به آن و بازخوانی‌اش باید مورد عنایت جدی قرار گیرد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- باقری، محمدرضا؛ نواب، ابوالحسن (۱۴۰۰). *حدود و ثغور تبعیت از حاکم. سیاست متعالیه*، شماره ۳۲. جهاننگلو، رامین (۱۳۸۵). *در جستجوی امر قدسی*. تهران: نشر نی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه نور*. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۴-۶، ۱۰.
- الدمدو، کنت (۱۳۹۸). *سنت‌گرایی دین در پرتو فلسفه جاویدان*. ترجمه رضا کورنگ بهشتی. تهران: حکمت.
- رجبی، ابوذر (۱۳۹۱). *تحلیل انتقادی نظریه حکومتی سنت‌گرایان در عصر غیبت*. *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۳۰.
- ژیلسون، اتین (۱۳۹۱). *تقد تفکر فلسفی غرب*. ترجمه احمد احمدی. تهران: سمت.
- شبان‌نیا، محمدتقی (۱۳۹۶). *فلسفه سیاست*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طبری، محمد (۱۳۶۵). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر، ج ۵.
- گینگ، وینستون (۱۳۸۵). *دایره‌المعارف دین*. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱.
- مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۹). *نگرشی بر اندیشه اسلامی*. ترجمه محمدرضا آژیر. مشهد: آستان قدس رضوی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۰). *معرفت و معنویت*. تهران: سهروردی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳). *آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام*. ترجمه شهاب‌الدین صدر. تهران: انتشارات دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳). *در غربت غربی*. ترجمه امیر مازیار و امیر نصری. تهران: انتشارات رسا.
- Blum, Ch.O. (ed.). (2006). *Essays on Family, Economy & Society*. Naples, Florida: Sapientia Press.
- Contemplations on the Concept of Spiritual Aristocracy* (2019). Available at:
<https://journals.sagepub.com/>
- Dal Lago, E. (2013). *Lincoln, Cavour, and National Unification: American Republicanism and Italian Liberal Nationalism in Comparative Perspective*. DOI: 10.1353/cwe.2013.0017
- Duarte, L. (2019). *Meet the Intellectual Founder of Brazil's Far Right*. Available at:
<https://www.theatlantic.com/>
- Dugin, A. (2012). *We must take at least half of the media field from the liberals!* Available at:
<http://www.4pt.su>
- Golshan, T. (2017). Steve Bannon in 2016: legal immigration is the real "problem". *Vox February*, No. 2.
- Lagarde, A. & Michard, L. (1962). *Les Grands Auteurs français du programme - Anthologie et Histoire littéraire*. Bordas.

- Nevill, D. (2004). *The Dictionary of the Esoteric: 3000 Entries on the Mystical and Occult Traditions*. Motilal Banarsidass Publ.
- New York Times (2017b). *Bannon's Views Can Be Traced to a Book That Warns, 'Winter Is Coming'*.
- New York Times (April 2017a). *Bannon's Worldview: Dissecting the Message of 'The Fourth Turning'*. *Oxford English Dictionary*. Oxford University Press: 2010.
- Shelley, F.M. (2015). *Governments around the World: From Democracies to Theocracies: From Democracies to Theocracies? ABC-CLIO*.
- Teitelbaum, B.R. (2020). *War for Eternity: The Return of Traditionalism and the Rise of the Populist Right*. Penguin Books Limited.